

**مقدمه**

بسیاری از روان‌شناسان، به جای پژوهش جنبه‌های گوناگون آشفتنگی و بیماری، به مطالعه جنبه‌های مثبت بهزیستی و سلامت علاقمند هستند (Aspinwall & Staudinger, 2003; Peterson & Seligman, 2004). آنها معتقدند: روان‌شناسی به‌گونه‌ای نامتناسب بر آسیب‌شناسی و اصلاح متمرکز شده است (Aspinwall & Staudinger, 2003, p. 9; Seligman & Csikszentmihaly, 2000, p. 5). اخیراً جنبش روان‌شناسی مثبت‌نگر بررسی گسترده‌ای را برای مطالعه توانمندی‌های انسانی و پیشگیری مبتنی بر آن آغاز کرده است؛ توانمندی‌ها و پیشگیری‌هایی که در سطح فردی، اجتماعی و ارتباطی به پدیدایی یک زندگی ارزشمند می‌انجامند (ر. ک: Peterson & Seligman, 2004). پژوهشگران دریافته‌اند که برای انجام وظیفه پیشگیری در حوزه روان‌شناسی، باید علم توانمندی‌های انسانی بنیاد شود که وظیفه آن فهم و آموزش شیوه پرورش فضایل در جوانان است. آنها بر این باورند که اکنون روان‌شناسان باید پژوهش‌های خود را به سمت توانمندی‌ها و فضایل انسانی سوق دهند. همچنین روان‌شناسانی که در فضای خانواده، مدرسه، و جوامع دینی کار می‌کنند، باید فضایی را به وجود آورند که این توانمندی‌ها و فضایل پرورش یابند (Seligman & Csikszentmihaly, 2000, p. 5).

مطالعه توانمندی‌های خوی در قلمرو روان‌شناسی، از آخرین روزهای قرن بیستم آغاز شد؛ زمانی که جمعی از دانشمندان برای تهیه آزمونی برای سنجش توانمندی‌های انسانی به این امید گردهم آمدند، که این سیاهه بتواند پایه‌ای برای ایجاد چارچوبی عمومی‌تر در قلمرو رگه‌های (صفت) مثبت انسانی شود. پترسون و سلیگمن این کار را ادامه دادند و در کنفرانس‌های متعدد آن را ارائه کردند. طرح «ارزش‌ها در عمل»، که توسط روان‌شناسان مثبت‌نگر دنبال شده است، بر توانمندی‌هایی متمرکز شده است که «زندگی خوب» را میسر می‌کند (Park, 2009, p. 135). آنها توانمندی‌های خوی را به‌عنوان مجموعه‌ای از رگه‌های روان‌شناختی قلمداد می‌کنند که در گستره‌ای از افکار، احساسات و رفتارها بروز می‌یابد و موجب بروز فضایل بنیادین اخلاقی می‌شود (Peterson & Seligman, 2004, p. 13).

طبقه‌بندی ارزش‌ها در عمل، بیست و چهار توانمندی را ذیل شش فضیلت اخلاقی اصلی سازمان داده است. روان‌شناسان مثبت‌نگر، برای رسیدن به این طبقه‌بندی، علاوه بر مطالعه گسترده در آثار روان‌شناسان، آموزه‌های اسلام، مسیحیت، یهودیت، کنفوسیوسیسم، تائوئیسم، بودیسم و هندویسم، و فلسفه یونان باستان را بررسی کرده‌اند (Park, 2009, p. 135; Peterson & Seligman, 2004, p. 40-50).

**نقش فرایندهای خودشناختی****و عوامل بزرگ شخصیت در فضایل اخلاقی**

محمد تقی تیک\* / نیما قربانی\*\* / سیدمحمد رضا رضازاده\*\*\*

**چکیده**

هدف این پژوهش، بررسی نقش فرایندهای خودشناختی و پنج عامل بزرگ شخصیت در فضایل اخلاقی بود. ۳۱۵ دانشجوی به این پرسش‌نامه پاسخ دادند: خزانه بین‌المللی گویه‌های شخصیت-پنج عامل بزرگ، مقیاس کوتاه خودمهارگری، مقیاس خودشناسی انسجامی، و پرسش‌نامه فضایل اخلاقی. نتایج پژوهش نشان داد که فضایل با پنج عامل بزرگ شخصیت (برون‌گردی، توافق، وظیفه‌شناسی، ثبات هیجانی و تجربه‌پذیری)، خودمهارگری و خودشناسی انسجامی همبستگی مثبت دارند. توافق و خودشناسی انسجامی، نیرومندترین همبسته‌های فضایل بودند و وظیفه‌شناسی ضعیف‌ترین آن. همچنین، نقش واسطه‌ای خودشناسی انسجامی در رابطه شخصیت با فضایل تأیید شد، اما نقش واسطه‌ای خودمهارگری در این رابطه تأیید نشد. این پژوهش نشان داد رابطه برخی رگه‌های شخصیت با فضایل اخلاقی قوی‌تر از رابطه سایر رگه‌های شخصیت است. نتایج این پژوهش از این دیدگاه حمایت کرد که خودشناسی نقش میانجی را میان شخصیت و فضایل اخلاقی ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: شخصیت، خودشناسی انسجامی، خودمهارگری، فضیلت اخلاقی، روان‌شناسی مثبت‌نگر.

از جمله متغیرهایی که می‌تواند توانمندی‌های خوی را پیش‌بینی کند، شخصیت است (Otake & et al, 2005, p. 461; Park, 2009)؛ زیرا توانمندی‌های خوی، زیرمجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیت فرض شده است (Park, 2009, p. 135). ادعا شده است که توانمندی‌های رغبت، شوخ‌طبعی با عامل شخصیتی برون‌گرایی، توانمندی‌های کنجکاوی، خلاقیت و درک زیبایی با عامل شخصیتی تجربه‌پذیری، توانمندی‌های مهربانی و قدردانی با عامل شخصیتی توافق و توانمندی‌های خودنظم‌بخشی و پشتکار با عامل شخصیتی وظیفه‌شناسی قرابت معنایی دارند (Peterson & Seligman, 2004, p. 69).

دیگر سازه‌ای که نقش اساسی در توانمندی‌های خوی دارد، خودشناسی است. اگر علم روان‌شناسی بخواهد توانش‌ها را به فعلیت برساند و توانمندی‌های انسانی را ارتقا ببخشد، باید بر ظرفیت‌های خود-تأمل‌گری به‌طور جدی تمرکز کند (Caprara & Cervine, 2003, p. 66). خودشناسی بر پایه دیدگاه خودنظم‌دهی، کنش‌وری بی‌همتایی در بقا دارد؛ زیرا در بین شناخت‌های ذخیره‌شده ما، تنها موضوع شناختی است که فرد برای بقای خود باید به نظم‌دهی مداوم آن بپردازد. از این رو، هر اندازه خودشناسی بیشتر باشد، سازش‌یافتگی روانی بیشتر است (قربانی و واتسن، ۱۳۸۴، ص ۴). این یافته، بیانگر این نکته است که فرایندهای خودشناختی، ظرفیت ارتقاء توانمندی‌های انسانی را دارند. در کنار خودشناسی، ادعا شده است که خودمهارگری برترین فضیلت است؛ به این معنا که در تحقق فضایل و اجتناب از رذایل، وجودش ضرورت دارد (Geyer & Baumeister, 2005, p. 412).

از آنجاکه عامل‌های شخصیتی و فرایندهای خودشناختی در پیش‌بینی توانمندی‌های خوی نقش به‌سزایی دارند و از سوی دیگر، هنوز شواهد تجربی چندانی از ارتباط این متغیرها، به‌ویژه در ایران در دست نیست، شایسته است مجموعه پژوهش‌هایی در این زمینه انجام گیرد.

هدف این پژوهش، بررسی رابطه عوامل شخصیت و فرایندهای خودشناختی با فضایل اخلاقی است. وجود رابطه مثبت میان عامل‌های شخصیت و خودشناسی انسجامی با فضایل اخلاقی، فرضیه اصلی این پژوهش است. همچنین در این پژوهش، به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت که آیا شخصیت می‌تواند از طریق خودشناسی و یا خودمهارگری، تفاوت‌های فردی در فضایل اخلاقی را تبیین کند یا نه؟

## روش پژوهش

**الف. جامعه آماری و نمونه:** جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه‌های تهران، صنعتی شریف، و شاهد در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ بود. ۳۱۵ دانشجوی (۲۲۷ پسر، ۸۸ دختر)، با روش نمونه‌برداری غیرتصادفی، در این پژوهش شرکت کردند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۴ سال و چهار ماه بود.

برای تحلیل داده‌ها، روش‌هایی چون ضریب همبستگی پیرسون، و آزمون سوبل به‌کار رفت. برای این مدل‌ها، تعداد نمونه دست‌کم ۱۰ تا ۲۰ برابر تعداد متغیرهای مستقل تعیین شده است (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴؛ هومن، ۱۳۸۶، ص ۲۹۹). بدین ترتیب، وجود هفت متغیر مستقل (عامل‌های پنج‌گانه شخصیت، خودشناسی، و خودمهارگری)، حجم نمونه این پژوهش کافی است. در این پژوهش از مقیاس‌های زیر استفاده شد:

## ب. ابزار سنجش

۱. «پرسش‌نامه ارزش‌ها در عمل: ابراز قابلیت خود»: این پرسش‌نامه توانمندی‌های انسانی را در شش زمینه شناختی، هیجانی، میان‌فردی، شهروندی، اعتدال، و تعالی می‌سنجد (Peterson & Seligman, 2004, p. 633). برای هر شرکت‌کننده، افزون بر شش زیرمقیاس گفته شده، یک نمره کلی در زمینه فضایل اخلاقی به‌دست می‌آید. این پرسش‌نامه براساس دسته‌بندی «ارزش‌ها در عمل» ساخته شده است. مطالعات مقدماتی نشان می‌دهد که این پرسش‌نامه، دارای روایی و اعتبار رضایت‌بخشی است. برای مثال، نمره «گزارش شخصی» و «گزارش مشاهده‌گر» همبستگی بالایی داشت (Ibid). نسخه فارسی این پرسش‌نامه، برای انجام این پژوهش، طی فرایند استاندارد ترجمه و ترجمه برگردان تهیه شد. شرکت‌کنندگان در یک مقیاس شش درجه‌ای به گویه‌های ۲۴‌گانه این پرسش‌نامه پاسخ دادند.

۲. «خزانه بین‌المللی گویه‌های شخصیت- پنج عامل بزرگ»: این مقیاس، بر پایه الگوی پنج‌عاملی شخصیت ساخته شده است و عوامل برون‌گردی، توافق، وظیفه‌شناسی، ثبات هیجانی و تجربه‌پذیری را می‌سنجد (Goldberg, 1999). در این پژوهش، نسخه ۵۰ گویه‌ای آن به‌کار رفت. روایی و پایایی مناسب نسخه‌های انگلیسی و فارسی مقیاس، در پژوهش‌های مختلف و با نمونه‌های متفاوت تأیید شده است (Aghababaei, 2012; Goldberg, 1999; Ghorbani & et al, 2005). برای نمونه، در پژوهشی جدید روی دانشجویان ایرانی، پایایی درونی عامل‌های این مقیاس بین ۰/۷۰ و ۰/۷۹ گزارش شده است (Aghababaei, 2012, p. 197). شرکت‌کنندگان به هر گویه در یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از «کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» پاسخ می‌دهند.

۳. «مقیاس خودشناسی انسجامی»: این مقیاس، محصول بازننگری در نظریه دو وجه خودشناسی تجربه‌ای و تأملی است (Ghorbani & et al, 2008, p. 395)، که هر دو وجه خودشناسی تجربه‌ای و تأملی را به صورت منسجم، با ۱۲ گویه می‌سنجد. بررسی‌های میان‌فرهنگی در ایران و ایالات متحده از اعتبار و روایی سازه، ملاک، و پیش‌بین این مقیاس حکایت می‌کند (Ibid). مثلاً پایایی درونی آن، با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲ و همبستگی آن با مقیاس بهوشیاری بین ۰/۶۲ و ۰/۶۸ به دست آمده است (آقابابایی و همکاران، ۱۳۹۰). شرکت‌کنندگان به هر گویه، در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند.

۴. «مقیاس کوتاه خودمهارگری»: تاکنی و همکارانش برای سنجش خودمهارگری این مقیاس را ساخته‌اند (Tangney & et al, 2004, p. 282-283). نسخه کوتاه مقیاس ۱۳ گویه دارد. همبستگی نسخه کوتاه با نسخه بلند ۳۶ گویه‌ای آن بسیار بالا بوده است (۰/۹۳). پایایی درونی آن، با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ و پایایی بازآزمایی آن، پس از سه هفته برابر با ۰/۸۷ بوده است. بررسی نسخه فارسی مقیاس نیز روایی سازه و پایایی درونی رضایت‌بخشی را به دست داد (آقابابایی و همکاران، ۱۳۹۰).

### یافته‌های تحقیق

تحلیل داده‌ها نشان داد که پایایی درونی مقیاس‌های پژوهش رضایت‌بخش است. آلفای کرونباخ مقیاس‌ها از ۰/۶۹ تا ۰/۸۷ است (جدول ۱). به‌طور خاص، آلفای کرونباخ پرسش‌نامه فضایل اخلاقی، که نسخه فارسی آن برای نخستین بار در این پژوهش به‌کار رفته است، برابر با ۰/۸۷ به دست آمد که بیانگر پایایی درونی رضایت‌بخش آن است. برای مقایسه دو جنس در متغیرهای پژوهش آزمون t مستقل اجرا شد. دو جنس در فضایل اخلاقی تفاوتی نداشتند و در میان سایر متغیرها، تنها در توافق زنان نمره بالاتری گزارش کردند (جدول ۱).

جدول ۱: مقایسه مردان و زنان در متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین (انحراف معیار)	t	میانگین (انحراف معیار)	
			پسر	دختر
فضایل اخلاقی	۴/۳۵ (۰/۵۹)	۱/۰۱	۴/۲۷ (۰/۶۸)	۴/۴۳ (۰/۵۹)
خودشناسی انسجامی	۳/۶۹ (۰/۶۹)	۰/۶۶	۳/۶۳ (۰/۶۴)	۳/۷۵ (۰/۶۹)
خودمهارگری	۳/۳۸ (۰/۶۴)	۱/۳۸	۳/۲۷ (۰/۶۴)	۳/۴۹ (۰/۶۴)
برون‌گردی	۳/۱۶ (۰/۷۳)	۱/۶۵	۳/۰۱ (۰/۶۷)	۳/۲۱ (۰/۷۳)
توافق	۳/۹۹ (۰/۵۶)	۳/۱۸*	۳/۷۶ (۰/۵۶)	۴/۲۲ (۰/۵۶)
وظیفه‌شناسی	۳/۵۸ (۰/۷۰)	۰/۷۴	۳/۵۶ (۰/۶۳)	۳/۶۰ (۰/۷۰)
ثبات هیجانی	۳/۰۵ (۰/۷۰)	۱/۶۰	۳/۱۸ (۰/۶۰)	۳/۰۵ (۰/۷۰)
تجربه‌پذیری	۳/۰۵ (۰/۵۶)	۰/۱۹	۳/۰۵ (۰/۵۹)	۳/۰۵ (۰/۵۶)

p<۰/۰۱\*

ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است. پیش از انجام تحلیل‌های اکتشافی، به منظور بررسی عدم وجود رابطه خطی مشترک چندگانه بین مقیاس‌ها، ضرایب همبستگی پیرسون بین مقیاس‌ها بررسی شد. از آنجاکه تمامی همبستگی‌ها مقادیری کمتر از ۰/۸۵ داشتند، احتمال وجود رابطه خطی مشترک چندگانه بین مقیاس‌ها رد شد. یافته‌های تحلیل همبستگی، رابطه مثبت توانمندی‌های خوی را با همه عامل‌های شخصیت و فرایندهای خودشناختی نشان داد. همبستگی فضایل اخلاقی و عامل‌های شخصیت، در دامنه ۰/۲۳ تا ۰/۴۱ قرار داشت. از میان متغیرهای پژوهش، توانمندی‌های خوی نیرومندترین رابطه را با خودشناسی (۰/۰۱ < p، ۰/۴۰ = r) و توافق (۰/۰۱ < p، ۰/۴۱ = r) داشت، و ضعیف‌ترین رابطه را با وظیفه‌شناسی داشت (جدول ۲).

جدول ۲: ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. فضایل اخلاقی	۱						
۲. خودشناسی انسجامی	۰/۴۰**	۱					
۳. خودمهارگری	۰/۳۰**	۰/۵۳**	۱				
۴. برون‌گردی	۰/۳۵**	۰/۱۵**	۰/۳۱	۱			
۵. توافق	۰/۴۱**	۰/۲۵**	۰/۱۹**	۰/۴۰**	۱		
۶. وظیفه‌شناسی	۰/۲۳**	۰/۳۰**	۰/۵۶**	۰/۰۳	۰/۱۹**	۱	
۷. ثبات هیجانی	۰/۲۵**	۰/۵۳**	۰/۴۲**	۰/۱۱*	۰/۱۳*	۰/۲۱**	۱
۸. تجربه‌پذیری	۰/۳۴**	۰/۳۶**	۰/۲۳**	۰/۳۴**	۰/۳۰**	۰/۱۶**	۰/۱۴*

p<۰/۰۱\*\* \* p<۰/۰۵

در ادامه، به بررسی این مسئله می‌پردازیم که آیا شخصیت می‌تواند از مسیر خودشناسی و یا خودمهارگری، تفاوت‌های فردی در توانمندی‌های خوی را تبیین کند یا نه؟ بدین منظور، از یک فن استنباطی به نام رویکرد ضرایب حاصل‌ضرب، معروف به «آزمون سوپل» استفاده کردیم. لازم به یادآوری است که ابتدا «عامل عمومی شخصیت» به گونه‌ای که اردل و آقابابایی (۲۰۱۲) بیان می‌کنند، محاسبه شد. سپس، نمره عامل عمومی شخصیت وارد این معادله شد: شخصیت - خودشناسی - توانمندی‌های خوی. آزمون سوپل (Precher & Hayes, 2004)، نشان داد که شخصیت می‌تواند از طریق خودشناسی، توانمندی‌های خوی را پیش‌بینی کند (۰/۰۳ = p، ۲/۹۷ = z). هنگامی که خودشناسی را با خودمهارگری جایگزین کردیم (شخصیت - خودمهارگری - توانمندی‌های خوی) شخصیت نتوانست از طریق خودمهارگری تفاوت‌های فردی در توانمندی‌های خوی را به‌طور معناداری پیش‌بینی کند (۰/۲۱ = p، ۱/۲۵ = z). بنابراین، نقش واسطه‌ای خودشناسی در رابطه شخصیت با توانمندی‌های خوی تأیید شد. اما نقش واسطه‌ای خودمهارگری در این رابطه تأیید نشد.

## بحث و نتیجه گیری

روانشناسان مثبت‌نگر بر نقش توانمندی‌های خوی در ارتقاء سلامت روان و پیشگیری از بیماری‌های روانی تأکید دارند. آنان معتقدند: باید پژوهش‌های زیادی روی توانمندی‌ها و فضایل انسانی انجام شوند و متغیرهای همبسته آنها شناسایی شوند. مقیاس توانمندی‌های خوی در این پژوهش معرفی شد و رابطه آن با عامل‌های شخصیت و فرایندهای خودشناختی به آزمون گذاشته شد. نتایج نشان داد که از میان عامل‌های شخصیت، توافق و برون‌گردی قوی‌ترین رابطه را با توانمندی‌های خوی دارد و شخصیت از طریق خودشناسی، می‌تواند واریانس توانمندی‌های خوی را تبیین کند.

از آنجاکه تأکید کنونی فرهنگ غرب بر اخلاق اجتماعی است (Argyle, 2008, p. 129)، و موضوع اخلاق اجتماعی عبارت است از رفتار فرد با دیگران، به نظر می‌رسد عامل‌های شخصیتی توافق و برون‌گردی، که بعد اجتماعی آنها قوی است، پیش‌بین قوی برای توانمندی‌های خوی (اخلاقی) باشند. پژوهش نتو (۲۰۰۷) نشان داد کسانی که در عامل توافق نمره بالایی گزارش کردند، در توانمندی‌هایی مانند نوع‌دوستی، صبر، گذشت، و بخشش نمره بالایی دریافت کردند. پژوهش شفرود و بلیکی (۲۰۰۸) نیز نشان داد که عامل توافق، قوی‌ترین پیش‌بین توانمندی بخشش است. پژوهش آقابابایی و فراهانی (۱۳۹۰) هم در ایران عامل توافق را نیرومندترین همبسته فضیلت قدردانی معرفی کرده است. افراد با نمره بالا در عامل توافق کسانی هستند که در ویژگی‌های اعتماد، سادگی، نوع‌دوستی، تبعیت، تواضع و نرمش در برابر دیگران نمره بالایی گزارش می‌کنند. هریک از این ویژگی‌ها، به نوعی می‌توانند توانمندی‌های اخلاقی مهربانی، عشق و گذشت را در شخص ایجاد کنند.

مفهوم‌سازی‌های قدیمی‌تر در گستره روان‌شناسی، افراد برون‌گرا را افرادی غیر قابل انعطاف، بی‌ملاحظه و غیرقابل اعتماد توصیف می‌کردند. ولی پژوهشگران معاصر، برون‌گرایان را افرادی اجتماعی، مسلط بر محیط، سازگار، دارای رابطه مثبت با دیگران، و کارآمد توصیف می‌کنند؛ افرادی که دارای روابطی گرم و صمیمانه هستند و از هیجان‌ات مثبت برخوردارند (آقابابایی و فراهانی، ۱۳۹۰؛ Saroglou, 2002, p. 22). با این توضیح، به نظر می‌رسد افراد برون‌گرا، افرادی باشند که از توانمندی‌های بین‌فردی مانند هوش اجتماعی، عشق و مهربانی بهره‌مند باشند.

از آنجاکه از میان عامل‌های شخصیت، پایداری هیجانی و تجربه‌پذیری بیشترین رابطه را با خودشناسی دارند، می‌توان نقش واسطه‌ای خودشناسی را از طریق این دو عامل تبیین کرد. پایداری هیجانی موجب می‌شود فرد کمتر احساس اضطراب و تنش نماید. این افراد به راحتی دچار افسردگی،

احساس گناه، غم، ناامیدی و درماندگی نمی‌شوند (McCrae & Costa, 2005, p. 113). فردی که این حالات را تجربه می‌کند، طبیعتاً آمادگی بیشتری برای توجه به مسائل مهم زندگی از جمله شناخت خود دارد. به عبارت دیگر، پایداری هیجانی زمینه را برای خودشناسی فراهم می‌کند. در کنار پایداری هیجانی، کسی که در تجربه‌پذیری نمره بالایی کسب می‌کند، فردی است که دارای قدرت خوبی برای درک حقایق درونی و بیرونی، از جمله عواطف و هیجان‌های شخصی می‌باشد (آقابابایی و همکاران، ۱۳۹۰). افراد دارای نمره بالا، بیشتر از دیگران دارای تجربه‌های عمیق‌تر و حالت‌های هیجانی متمایز و تفکیک‌شده هستند. بی‌شک این توانایی‌ها، در ارتقاء خودشناسی شناختی و هیجانی فرد تأثیر دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد مؤلفه پایداری هیجانی به‌مثابه عامل زمینه‌ساز، و تجربه‌پذیری به‌مثابه عامل کنشگر (تکمیلی)، به‌صورت یکپارچه و منسجم در راستای ارتقاء خودشناسی عمل می‌کنند.

خودشناسی از فعالیت خودکار پاسخ‌های درونی و آشکار، ناشی از طرح‌های کنش و واکنش نامناسب با موقعیت پیش‌روی پیشگیری می‌کند و با بازنگری در تجربیات گذشته، طرح‌های کنش و واکنش جدید، سازمان‌یافته‌تر، و پیچیده‌تر خلق می‌کند (قربانی و واتسن، ۱۳۸۴). این یافته، منطبق با نظرات اندیشمندان مسلمان در محوریت خودشناسی برای تخلق به رگه‌های نیک اخلاقی است. علامه مطهری (۱۳۸۰) خودشناسی را ریشه الهامات اخلاقی قلمداد می‌کند. وی از خودشناسی و احساس کرامت در خود واقعی به‌عنوان پایه‌های بنیادی اخلاق یاد می‌کند (ر. ک: مطهری، ۱۳۷۴). ابن‌سینا پله نخست تربیت را تربیت نفس می‌داند و کلید تربیت نفس را شناخت صفات و عادات خویش قلمداد می‌کند (ر. ک: فتحعلی‌خانی و همکاران، ۱۳۷۷). پیام مهم این پژوهش، این است که معلمان و مربیان تربیت اخلاقی باید در فرایند تربیت منش اخلاقی دانش‌آموزان و دانشجویان در کنار ملاحظه ظرفیت‌های شخصیتی افراد، در پرورش ویژگی‌هایی چون خودشناسی و خودمهارگری تلاش کنند.

این پژوهش محدود به استفاده از نمونه دانشجویی با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و استفاده از مقیاس‌های خودگزارشی است. در این پژوهش، از مقیاس کوتاه ارزش‌ها در عمل استفاده شد. استفاده از مقیاس طولانی‌تر این پرسش‌نامه ممکن است نتایج متفاوتی به‌دست دهد. شایسته است پژوهش‌های آینده ضمن مطالعه دامنه گسترده‌تری از جامعه و استفاده از مقیاس‌های دگرگزارشی، به بررسی رابطه توانمندی‌های خوی با سایر متغیرها مانند بهزیستی و سلامت روانی بپردازند.

## منابع

- The Japanese, *Journal of Psychology*, v 76, p. 461-467.
- Park, N, (2009), Character strengths (VIA). In J. Lopez (Ed.), *The encyclopedia of positive psychology*. (p. 135-140). New York: Wiley-Blackwell.
- Peterson, C., & Seligman, M. E.P, (2004), Character strengths and virtues: A handbook and classification. Washington, DC : American Psychological Association.
- Preacher, K.J. & Hayes, A.E, (2004), SPSS and SAS procedures for estimating indirect effects in simple mediation models, *Behavior Research Methods, Instruments, & Computers*, v 36 (4), p. 717-731.
- Saroglou, V, (2002), Religion and five factor of personality: A meta-analytic review, *Personality and Individual Differences*, v 32, p. 15-25.
- Seligman, M. E. P., & Csikszentmihaly, M, (2000), Positive psychology: An introduction, *Journal of American Psychologist*, v 55 (1), p. 5-14.
- Shepherd, S., & Belicki, K, (2008), Trait forgiveness and traitedness within the HEXACO model of personality. *Personality and Individual Differences*, v 45, p. 389-394.
- Sobel, M. E, (2008), Identification of causal parameters in randomized studies with mediating variables, *Journal of Educational and Behavioral Statistics*, v 33(2), p. 230-231.
- Steger, M. F., & et al, (2007), Genetic and environmental influences on the positive traits of the values in action classification, and biometric covariance with normal personality, *Journal of Research in Personality*, v 41(3), p. 524-539.
- Tangney, J. P., & et al, (2004), High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success, *Journal of Personality*, v 7(2), p. 271-322.
- آقابابایی، ناصر و حجت‌اله فراهانی، «نقش رگه‌قدردانی در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی و فاعلی» (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ش ۲۹، ص ۷۵-۸۴.
- آقابابایی، ناصر و همکاران، «تقابل فرایندهای خودشناختی با «آستانه‌گذری»» (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی و دین*، ش ۱۳، ص ۵۵-۶۹.
- فتحعلی‌خانی، محمد همکاران (۱۳۷۷)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، تهران، سمت.
- فراهانی، حجت‌اله و حمیدرضا عریضی (۱۳۸۴)، *روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی (رویکردی کاربردی)*، اصفهان، جهاد دانشگاهی.
- قربانی، نیما و پل. جی واتسن، «فرایندهای خودشناختی و نظام‌های پردازش خبر عقلانی و تجربه‌ای در ایران و امریکا» (۱۳۸۴)، *روان‌شناسان ایرانی*، ش ۲(۵)، ص ۳-۱۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، *فلسفه اخلاق*، تهران، صدرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۶)، *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*، تهران، سمت.
- Aghababaei, N, (2012), Religious, honest and humble: Looking for the religious person within the HEXACO model of personality structure, *Personality and Individual Differences*, v 53, p. 880-883.
- Argyle, M, (2000), *Psychology of religion: An introduction*, London: Routledge.
- Aspinwall, L. G., & Staudinger, U. M, (2003), A psychology of human strengths: Some central issues of an emerging field. In L. G. Aspinwall & U. M. Staudinger (Eds.), *A psychology of human strengths* (p. 9-22). Washington, DC : American Psychological Association.
- Caprara, G. V., & Cervone, D, (2003), A conception of personality for a psychology of human strengths: Personality as an agentic, self-regulating system. In L. G. Aspinwall & U. M. Staudinger (Eds.), *A psychology of human strengths* (pp. 61-74). Washington, DC : American Psychological Association.
- Erdle, S. & Aghababaei, N, (2012), Evidence for the general factor of personality (GFP) in the Big Five from 600 Iranians, *Personality and Individual Differences*, v 53(3), p. 359-361.
- Geyer, A. L., & Baumeister, R. F, (2005), Religion, morality, and self-control: Values, virtues, and vices. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the Psychology of Religion & Spirituality*. (pp. 412-432). New York: The Guilford Press.
- Ghorbani N., Watson, P. J., & Hargis, M.B, (2008), Integrative Self-Knowledge Scale: Correlations and incremental validity of cross-cultural measure developed in Iran and the United States, *The Journal of Psychology*, v 142(4), p. 395-412.
- Ghorbani, N., & et al, (2005), Philosophy, self-knowledge, and personality in Iranian high school teachers and students, *Journal of Psychology: Interdisciplinary and Applied*, v 139, 59-81.
- Goldberg, L. R, (1999), A broad-bandwidth, public-domain, personality inventory measuring the lower-level face of several five-factor models, in I. Mervielde., I. Deary., F. De Fruyt., & F. Ostendorf (Eds.), *Personality psychology in Europe*, v 7, p.7-28. The Netherlands: Tilburg University Press.
- McCrae, R. R., & Costa, P.T., jr, (2005), *Personality in adulthood: A Five Factor theory perspective*, New York: The Guilford Press.
- Neto, F, (2007), Forgiveness, personality and gratitude, *Personality and Individual Differences*, v 43, p. 2313-2323.
- Otake, K., & et al, (2005), Development of the Japanese version of the Value in Action Inventory of Strengths (VIA-IS).